

The Difference Between the Writings of Men and Women in the Works of Ghazaleh Alizadeh and Houshang Golshiri Based on the Relationship Between Language and Gender

Mohammad Taghi Jahani* / Mahnaz Hatami**

Abstract

According to many researchers, the language and writing of men and women are different. The relationship between language and sex is one of the significant features in the literature review of men and women. Gender and nature differences between women and men, with regard to the worldview, the way of thinking and the specific viewpoints/insights of the writers, have differentiated the language and the writing of women and men, and this type of view and reflection is expressed in the form of a text with specific linguistic features. This article examines the differences between male and female writers in the three novels of Ghazaleh Alizadeh (House of Idrissy, Tehran's Nights, and Two Landscapes) and the three novels of Houshang Golshiri (The Lost Lamb of the Shepherd, the Mirrors with the Door and the Prince of the Veil). The purpose of this study was to examine the components of the written language (such as vocabulary, sentences) and the frequency of their use as well as their differences in the works of these two authors. The criteria of our study in this research is based on theories of some researchers such as the structure of Tredgill, Milroy, Holmes and Fishman in the field of linguistics and Robin Lickoff's (1975) views as the famous linguist about these differences between women and men. According to Lickoff's theory, the language of men and women is different in terms of vocabulary, such as the use of words, obscure words, emotional words, and syntactic terms such as emotional sentences, questions, and sentences in cross-sectional and divisible terms. Additionally, the study and comparing the works by Alizadeh and Golshiri describes the differences between men and women in terms of Lickoff and other linguists.

Keywords: Gender, Language, Women's Writing, Ghazaleh Alizadeh, Houshang Golshiri.

* Assistant Professor of Persian Language and Literature, Ilam University.

** Master of Persian Language and Literature, Ilam University (Corresponding Author).

تفاوت نوشتار مردان و زنان در آثار غزاله علیزاده و هوشنگ گلشیری براساس رابطه زبان و جنسیت
محمدتقی جهانی* / مهناز حاتمی**

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۹/۱۱

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۴

چکیده

طبق نظر بسیاری از پژوهشگران زبان و نوشتار زنان و مردان با هم متفاوت است. رابطه زبان و جنسیت یکی از ویژگی‌های قابل توجه در بررسی نوشتار مردان و زنان است. تفاوت‌های ذاتی و جنسیتی بین زن و مرد با توجه به جهان‌بینی، نوع تفکر و نگاه خاص نویسندگان، زبان و نوشتار زنان و مردان را متفاوت جلوه داده است و این نوع نگاه و تفکر و دیدگاه، در قالب نوشتار با ویژگی‌های زبانی خاص مشخص می‌شود. این مقاله به بررسی تفاوت‌های نوشتاری مردان و زنان در سه رمان غزاله علیزاده (خانه ادیسی‌ها، شب‌های تهران و دومنظره) و سه رمان هوشنگ گلشیری (بره گمشده راعی، آینه‌های دردار و شازده احتجاب) می‌پردازد. هدف این پژوهش، بررسی و کشف مؤلفه‌های نوشتاری در حوزه زبانی (مانند واژگان، جملات) و بسامد کاربرد و در نتیجه، تفاوت آنها در آثار این دو نویسنده موردنظر است. معیار بررسی ما در این پژوهش، نظریه‌های برخی از پژوهشگران مانند ترادگیل، میلروی، هولمز و فیشرمن در حوزه زبان‌شناسی و دیدگاه‌های رابین لیکاف، (۱۹۷۵) زبان‌شناس معروف درباره تفاوت‌های نوشتاری زنان و مردان است. طبق نظریه لیکاف، زبان زنان و مردان، در سطح واژگانی مانند استفاده از رنگ واژه‌ها، واژه‌های مبهم و واژه‌های عاطفی و در سطح نحوی مانند جملات عاطفی، پرسشی و جملات مقطع و محذوف متفاوت است و بررسی و مقایسه آثار موردنظر از علیزاده و گلشیری، تفاوت‌های نوشتاری مردان و زنان را طبق نظریه لیکاف و سایر زبان‌شناسان مشخص می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: جنسیت، زبان، نوشتار زنانه، غزاله علیزاده، هوشنگ گلشیری.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ایلام.

mtjahani@gmail.com

** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ایلام،

(نویسنده مسئول). Mahnazhatami62@gmail.com

مقدمه

اجتماعی را علت اصلی تفاوت در زبان زنان و مردان می‌داند. او همچنین نبود اعتماد به نفس و عدم قطعیت در زبان زنان را دلیل کاربرد و اختصاص دادن برخی واژه‌ها و جملات در زبان زنان می‌داند. او معتقد است زبان زنان پست‌تر است؛ زیرا شامل انگاره‌های ضعف و عدم قطعیت است و بر مطالب بی‌اهمیت، سبک و غیر جدی واکنش‌های عاطفی تأکید دارد به نظر او زبان مردان نیرومندتر است و چنانچه زنان خواهان کسب برابری‌های اجتماعی با مردان باشند باید زبان آنها را بپذیرند. (سلدن، ویدوسون، ۱۳۷۷: ۲۶۳)

یکی دیگر از منتقدانی که تفاوت‌های جنسی در نوشتار زنان را در کانون توجه خود قرار داد، الین شوالتر است که در این زمینه می‌گوید: هرچند جنسیت مؤنث تثبیت شده یا تخیل مؤنث وجود ندارد، اما نوشته‌های زنان و مردان عمیقاً با هم فرق دارند و منتقدان مذکر یک سنت کامل نوشتاری را نادیده گرفته‌اند. (همان: ۱۶۱) گروه دیگری از پژوهشگران فمینیستی به زبان متأثر از موقعیت اجتماعی معترض‌اند و زبان موجود در نوشتار را زبان مردسالارانه می‌نامند که به پایمال کردن حقوق زنان پرداخته است. نظریه‌پردازانی مانند هلن سیکسو، لوس ایریگاری و ژولیا کریستوا در این دسته قرار می‌گیرند که اصطلاح فراجنسیتی بودن زبان را مطرح کرده‌اند. سیکسو معتقد است که مردان، تک جنسی بودن زبان را با وجود سرکوب کردن زن در زبان و پایمال کردن حقوق آنها مطرح کرده‌اند. همچنین توماس

هرچند در بسیاری از جوامع امروزی زنان در عرصه‌های مختلف زندگی بشری مشارکت دارند، اما نوع فعالیت زنان و مردان در زمینه‌های مختلف متفاوت است. زنان در دوره معاصر با توجه به جایگاه و حقوق آنها، نقش مؤثری در تولید آثار علمی و ادبی داشته‌اند و با توجه به اینکه جنسیت تأثیر مستقیمی بر گفتار و نوشتار انسان دارد، نظریه‌پردازان زیادی به بررسی تفاوت‌های نوشتاری متأثر از عامل جنسیت پرداخته‌اند. «مسائل جنسیتی در تمام ابعاد تولید و تجربه بشری از جمله تولید و تجربه ادبی نقش دارند، چه ما از این مسئله آگاه باشیم و چه نباشیم». (تایسن، ۱۳۷۸: ۵)

نوشتار زنانه با نوشتار مردانه تفاوت‌هایی دارد که از طریق اندیشه، سبک و نوع نگاه هنرمند در آثار ادبی قابل دریافت است. نویسندگان زن، به دلیل موقعیت نابرابر اجتماعی به تجربه متفاوتی از جهان پیرامون خود دست یافته‌اند و بازتاب این موقعیت و ایده‌ها و عقاید خود را در قالب نوشته‌هایی متفاوت با ویژگی‌های خاص بروز می‌دهند.

منتقدان فمینیست با بررسی آثار زنان و تفاوت جنسیتی بین دو جنس مذکر و مؤنث، برخی مؤلفه‌های نوشتاری را مختص زبان زنان دانسته‌اند. زبان‌شناسانی مانند ترادگیل، میلروی، فیشمن، هولمز و لیکاف به انجام تحقیقاتی در این زمینه پرداختند. رایین لیکاف نخستین کسی است که در کتاب *زبان و جایگاه زنان* مسئله زبان زنانه را مطرح می‌کند. وی موقعیت‌های نابرابر

از داستان‌های گلشیری است که در آن افسانه و اسطوره کمتر مجال برای خودنمایی یافته و سلسله علل و عوامل و سیر منطقی در آن از بسامد بالایی برخوردار است.

این رمان برخلاف اکثر داستان‌های گلشیری از راه بازتاب‌های زمینی، واقعیت اجتماع و جامعه را منعکس می‌کند و از این لحاظ مانند رمان *خانه ادیسی‌ها*، تمام وقایع داستان در اجتماع قابل لمس است. این رمان در سال ۱۳۵۶ منتشر شد و به شرح و تفصیل روشنفکران دهه ۴۰ و ۵۰ می‌پردازد. رمان *شازده احتجاب* و *آیین‌های دردار* دو اثر مهم دیگر از آثار این نویسنده به ترتیب در سال ۱۳۴۸ و ۱۳۷۰ به قلم نویسنده منتشر شدند. بررسی آثار داستانی معاصر از لحاظ سبک و نوشتار خاص زنان به توجه به روحیات و خلق و خوی خاص آنان، مورد توجه قرار گرفته است و پژوهشگران در این زمینه تحقیقات گسترده‌ای انجام داده‌اند. غزاله علیزاده و هوشنگ گلشیری دو تن از نویسندگان برجسته معاصر هستند که بررسی آثار آنان در حیطه زبانی اطلاعات ارزشمندی را در مورد تفاوت نوشتار مردان و زنان به دست می‌دهد. ملاک ما در انتخاب و بررسی آثار این دو نویسنده، مهم‌ترین رمان‌هایی هستند که تاکنون در حیطه زبانی مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. ما در این پژوهش به بررسی سه رمان از غزاله علیزاده و سه رمان از هوشنگ گلشیری در حوزه زبانی (واژگان و نحو) پرداخته‌ایم و بر آنیم که با تحلیل این رمان‌ها از این دو نویسنده، به بررسی و کشف مؤلفه‌های نوشتاری بر اساس نظریه لیکاف پی ببریم و به

آکوئین، سنت اگوستین و فردینان دوسوسور زبان را خارج از حوزه تمایزات جنسیتی می‌دانند. در ذهن آدمی هیچ تمایزی از نظر جنسی نیست. (لوید، ۱۳۸۷: ۶۷) اثر ادبی محصول ذهنیت، زبان و جهان هنرمند است و تفاوت‌های ذاتی بین زن و مرد، در ایجاد تفاوت‌های زبانی، ذهنی و رفتاری و اندیشگی و در نهایت تفاوت در ادبیات آنان تأثیرگذار است. پژوهشگران با توجه به تحقیقات مفصلی که در این زمینه انجام داده‌اند، به وجود برخی مؤلفه‌های نوشتاری زنان با توجه به روحیات و افکار خاص زنانه که در آثار زنان نمودی خاص دارد، پی برده‌اند. در چند دهه اخیر نویسندگان برجسته‌ای ظهور کرده‌اند که بررسی آثار آنان، اطلاعات تازه‌ای را در زمینه تفاوت‌های نوشتاری زنان و مردان به دست می‌دهد.

غزاله علیزاده از نویسندگان برجسته زن ایرانی است که دارای آثار منحصربه‌فردی است. رمان *خانه ادیسی‌ها* در میان رمان‌های منتشرشده بعد از انقلاب، دارای جایگاه ویژه‌ای است و از نظر شخصیت‌پردازی، فضاسازی، محتوا، استفاده از استعاره و نماد، پرداختن به وضعیت اجتماعی و به خصوص وضعیت زنان قابل توجه است. این رمان در سال ۱۳۷۳ به قلم علیزاده منتشر شد. از دیگر آثار مهم او می‌توان به رمان *شب‌های تهران* و دو منظره اشاره کرد. رمان *شب‌های تهران* را در سال ۱۳۷۸ و دو منظره را در سال ۱۳۶۳ منتشر کرده است.

هوشنگ گلشیری هم از نویسندگان برجسته و اهل قلم است. بره گمشده راعی یکی

این نتیجه برسیم که بسامد کاربرد این مؤلفه‌ها در حوزه زبانی (لایه واژگانی، نحو) در آثار این دو نویسنده موردنظر تا چه اندازه متفاوت است و این تفاوت‌ها در نوشتار آنان به چه صورتی نمایان شده است.

سؤالات تحقیق

سؤالات اصلی که در این پژوهش به ذهن متبادر می‌شود این است که آیا عامل جنسیت در بروز تفاوت‌های نوشتاری در حوزه مشخصه‌های زبانی (واژگان و نحو) تأثیرگذار است؟ و اگر چنین است چه تفاوت‌های زبانی در نوشتار زنان و مردان نویسنده وجود دارد و بسامد کاربرد آنها به چه میزان و شکلی است؟

اهداف تحقیق

هدف این پژوهش، بررسی و مشخص کردن مؤلفه‌های نوشتار طبق نظریه لیکاف و بسامد کاربرد و تفاوت آنها در آثار غزاله علیزاده و هوشنگ گلشیری بر اساس تحلیل متن است.

پیشینه تحقیق

درباره تفاوت‌های گفتاری و نوشتاری زنان و مردان، پژوهش‌های زیادی چه در زبان انگلیسی و چه فارسی انجام شده است. لیکاف برای اولین بار در سال ۱۹۷۵ م. با انتشار کتاب *زبان و جایگاه زنان* و به صورت جدی و علمی اختلافات زبانی زنان و مردان را تشریح کرد. کوتز (سال ۱۳۷۸) معتقد است که تفاوت‌های گروه‌های اجتماعی زنان و مردان در

تفاوت‌های گفتاری آنها مؤثر است. هایت در سال ۱۹۷۷ م. به بررسی ملاک‌های صوری مانند جملات و استفاده از علائم سجاوندی، قیود استفاده شده و ربط‌دهنده‌های منطقی در نوشتار زنان پرداخته است و همچنین اسکاتس در سال ۱۹۸۱ به این نتیجه رسیده است که زنان در نوشتار خود بیش از مردان از علامت تعجب استفاده می‌کنند. الین شوالتر (۱۳۷۷) هم جزو منتقدانی است که تفاوت‌های جنسی در نوشتار زنان را مورد بررسی قرار داد.

وین و روبین (۲۰۰۱) و هیوارد (۲۰۰۳) نشان دادند که زنان بیش از مردان از علائم ندایی استفاده می‌کنند و لوین (۲۰۰۵) که تردید نماها را در گفتمان نوشتاری زنانه بررسی کرده است.

پژوهش‌هایی درباره تفاوت‌های نوشتاری زنان و مردان به زبان فارسی انجام شده است. صادقی تحصیلی (۱۳۷۴) به تمایز شعر شاعران زن و مرد پرداخته است و مقوله احساس را در آن بررسی کرده است. توکلی (۱۳۸۱) به مطالعه تطبیقی در مورد گستره دایره واژگانی دختران و پسران برای تفاوت بین نوشته‌های آنها پرداخته است. جهرمی و ذاکری در مقاله «تفاوت‌های نوشتاری در آثار نویسندگان معاصر ایرانی با توجه به متغیر جنسیت» پرداخته‌اند و ده رمان فارسی را در چارچوب نظریه گفتمان انتقادی بررسی کرده و به تمایزهای گفتمان زنانه و مردانه پرداخته‌اند. بختیاری و دهقانی در مقاله‌ای به‌عنوان «رابطه زنان و جنسیت در رمان معاصر فارسی» به بررسی تفاوت‌های نوشتاری زنان و مردان در رمان‌های معاصر ایرانی پرداخته‌اند، اما

در مورد تحقیق موردنظر رابطه زبان و جنسیت در آثار علیزاده و گلشیری پژوهشی صورت نگرفته است.

مفاهیم نظری

۱. زبان و جنسیت

مسئله زبان و جنسیت را اولین بار فمینیست‌های موج دوم مطرح کردند. اعتراض فمینیست‌ها به تبعیض‌های زبانی و اجتماعی بین زنان و مردان بسیاری از زبان‌شناسان را به بررسی اختلافات زبانی زنان و مردان تشویق و ترغیب کرد و باعث شد که مقوله جنسیت که تا آن زمان مغفول مانده بود، به طور جدی مطرح شود. رابین لیکاف (۱۹۷۵) برای اولین بار با انتشار کتاب *زبان و جایگاه زنان* و چندین مقاله دیگر به صورت جدی و علمی اختلافات زبانی زنان و مردان را تشریح کرد. لیکاف معتقد بود که تفاوت قدرت در میان زنان و مردان باعث به وجود آمدن مردانی حاکم و سلطه از یک سو و زنانی مطیع و تابع از سوی دیگر می‌شود. (دلبری و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۲) در اجتماع، زنان پایگاه اجتماعی کم ثبات‌تر و نقش‌های محدودتری دارند و این بی‌ثباتی و تزلزل اجتماعی در رفتار زبانی آنها بازتاب درخور ملاحظه‌ای دارد. زنان در فرایند اجتماعی شدن یاد می‌گیرند که محجوب، مؤدب و کم‌رو باشند و به این دلیل استفاده از ساخت‌های زبانی که به نوعی عدم اطمینان از آن استنباط می‌شود، در گفتار زنانه بیشتر است. لیکاف از این سبک گفتار زنانه با عنوان زبان ضعیف یاد می‌کند و

علت اصلی آن را تسلط مردان می‌داند و دلیل این تسلط را سلسله مراتب طبیعی جنسیت معرفی می‌کند. به نظر او زنان باید بتوانند حمایت نداشته اجتماعی را به سوی خود جلب کنند. به همین دلیل صفات دلنشین بیشتری را به کار می‌گیرند، مؤدبانه حرف می‌زنند و ابهام اجتماعی خویش را در جملاتی سیال و تأویل‌پذیر از دیگران با عطف توجه به تکمیل آن از طرف دیگران بازتاب می‌دهند. (محمدی‌اصل، ۱۳۸۹: ۲۲) یکی از مباحث بسیار مهم و قابل بحث در تفاوت‌های نوشتاری زنان و مردان، عامل زبان و جنسیت است. اگر به جنس به لحاظ اسمی، تمایز زیستی مذکر و مؤنث است، اما جنسیت متضمن رفتارها، انتظارات و گرایش‌های اجتماعی معطوف به مردان و زنان است. به عبارت دیگر، از بُعد اجتماعی همچنین مقوله‌ای وجودی است؛ اما جنسیت، مقوله‌ای معرفتی است و بنابراین برچسب جنسی در دو شکل مذکر و مؤنث بر همه جوامع اطلاق می‌پذیرد، ولی برچسب جنسیت از جامعه‌ای به جامعه دیگر و از نسلی به نسل دیگر متفاوت است. (همان: ۱۲۰)

بسیاری از پژوهشگران معتقدند که زبان به عنوان یک نهاد اجتماعی وابسته به فرهنگ است که با توجه به نقش و محیط جامعه در شکل‌گیری دگرگونی‌های زبان متأثر از عوامل محیطی و برون زبانی است. (یول، ۱۳۸۵: ۱۱۴) یکی از موضوعات قابل توجه در حوزه زبان‌شناسی زنان، مقوله زبان و جنسیت و یا به تعبیر دیگر زبان‌شناسی جنسیت است که به

۲. مؤلفه‌های نوشتار زنانه

با توجه به دائمی بودن خلق متون ادبی در زمان‌های مختلف، ابداع شیوه‌های جدید بیان، تجربه‌های منحصر به فرد زنان، دور از انتظار نیست و همواره زبان‌شناسان در دوره‌های مختلف ویژگی‌های خاصی را به آثار زنان نسبت می‌دهند که درصد به‌کارگیری آنها در آثار مردان کم است. نویسندگان زن و مرد از طریق نوشته‌ها و با دیدی کاملاً مشخص، ذهنیت‌های خود را آشکار کرده و تمایلات و خواسته‌ها و تفکرات خود را در قالب نشانه‌های زبانی خاص رمزگذاری می‌کنند. «در ادبیات داستانی، نویسنده پیام خود را که شامل سبک و نقش است، به ترتیب در سطوح منظور شناختی (قصد نویسنده یا درون‌مایه) سطح معنایی (انتخاب واژگان)، سطح نحوی (انتخاب الگوی جملات) و سطح گفتمان رمزگذاری می‌شود». (صیامی، ۱۳۸۶: ۱۸-۱۷)

به همین منظور در تحلیل متن، ابتدا با کلیت یک گفتمان مواجهیم که باید آن را در سطح نحوی، معنایی و منظور شناختی تجزیه و تحلیل کرد. به عبارت دیگر، از آنجا که به نظر هلیدی در بحث انتخاب‌گری زبان، نه تنها برش خاص از یک واقعیت یا تجربه انسانی ترسیم می‌شود، بلکه یک واقعیت یا تجربه انسانی، به گونه‌های مختلف در یک زبان برش داده می‌شود و انتخاب هر یک از برش‌ها و نحوه آرایش آنها در یک کلام، نمود خاص از یک پدیده را ارائه می‌دهد. (سراج، ۱۳۹۴: ۳۲) بنابراین، مؤلفه‌های

مطالعه تأثیر متغیر جنسیت برای ایجاد گوناگونی‌های زبانی می‌پردازد. از دیدگاه زبان‌شناسی پرداختن به متغیر جنسیت بر زبان، موجه و ضروری است؛ چون زبان‌شناسی را قادر به توصیف دقیق زبان می‌کند. مدرسی در توجیه تفاوت‌های زبانی زن و مرد بیشتر قائل به تفاوت‌های اجتماعی این دو گروه است. او در این زمینه می‌نویسد: «چون هر یک از دو جنس در برخی حوزه‌های فعالیت، فعال‌تر از جنس دیگر است، اصطلاحات مربوط به آن حوزه مردانه و یا زنانه تلقی می‌شود». (مدرسی، ۱۳۸۷: ۱۷)

فتوحی هم در این زمینه معتقد است: عناصر زبان در ذات خود ربطی به جنسیت ندارند تا تمایزهای جنسی را نشان دهند. زبان‌شناسان اصطلاح گویش جنسیتی را برای بیان تفاوت‌های زبانی دو جنس وضع کرده‌اند. گویش جنسیتی به گونه‌ای از زبان گفته می‌شود که تداعی‌کننده مذکر یا مؤنث است. این اصطلاح با وجود کاربرد زیادی که دارد، چندان روشن‌گر نیست یا بخشی از این ابهام ناشی از تفاوت جنس یا جنسیت است. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۹۶-۳۹۷) گاهی جنسیت مخاطب در نوع انتخاب عناصر زبانی تأثیرگذار است. این تفاوت‌ها ممکن است به سطوح مختلف زبان چه در سطح زبانی و چه فکری مربوط شود. به‌طور کلی این حوزه به مطالعه تأثیر جنسیت مخاطب، گوینده یا نویسنده بر کاربردهای زبانی می‌پردازد.

خانم ادیسی که درسش را در خارج از کشور گذرانده است و در جست‌وجوی رحیلا بازگشته است. وهاب دلبسته عمه‌اش رحیلاست که با آمدن رکسانا این عشق خیالی جای خود را به عشق راستین می‌دهد. رکسانا زن جوانی است شبیه رحیلا و نقش او این بار نه تنها به خانم ادیسی، بلکه به همه آنها زندگی دوباره می‌بخشد. زندگی ساکنان این خانه با ورود آشکارها از جریان عادی‌اش خارج می‌شود. قهرمان شوکت نماینده این گروه و همراهان رنج کشیده‌اش به دنبال عدالت‌خواهی هستند. هر چند با ورود آشکارها در ابتدا هیچ کدام این دگرگونی‌ها را نمی‌پذیرند، اما به مرور با هم انس می‌گیرند و با ورود قباد به خانه ادیسی‌ها عشق گذشته خانم ادیسی دوباره زنده می‌شود و در آخر هم با عشق قدیمی‌اش روانه می‌شود. رمان *شب‌های تهران* درباره بهزاد نقاش جوانی است که به تازگی از فرانسه به ایران بازگشته و با مادر بزرگ خود خانم نجم به شمال ایران سفر کرده است. در مهمان‌سرای با خانواده سرهنگ کیانی آشنا می‌شوند. فرزین پسر سرهنگ کیانی، بهزاد را با دوستان شبه روشنفکر و سیاسی خود آشنا می‌کند. در یک مهمانی اشرافی، بهزاد و نسترن، آسیه دختر دکتر فضل را می‌بینند. سال‌ها بعد آسیه در گالری نقاشی بهزاد با او روبه‌رو می‌شود و این آغاز شکل‌گیری عشق بهزاد به آسیه است. نسترن که دلبسته بهزاد است با شنیدن خبر فرار بهزاد و آسیه به هم می‌ریزد و پیشنهاد رامبد پیرمرد ثروتمند را برای معشوقه شدن می‌پذیرد. بهزاد پس از رفتن آسیه و مرگ

نوشتاری زنان و مردان در سطوح مختلف متن مانند واژگان، نحوی و گفتمان قابل بررسی و تحلیل است.

معرفی نویسندگان و آثار آنها

۱. معرفی غزاله علیزاده

غزاله علیزاده، نویسنده‌اش را با داستان «سفر ناگذشتنی» در سال ۱۳۵۶ آغاز کرده است. دومین اثر او «بعد از تابستان» در سال ۱۳۵۶ است. بعد از انقلاب نیز «دو منظره» را در سال ۱۳۶۳ و «خانه ادیسی‌ها» در سال ۱۳۷۱ منتشر کرده است. رمان «شب‌های تهران» نیز در سال ۱۳۷۸ منتشر شده است. همچنین مجموعه آثارش مشتمل بر چند مجموعه داستان کوتاه و بلند منتشر شده و یک مجموعه چاپ‌نشده به نام «کشتی عروس» به انضمام چند نامه و چند خاطره از نویسنده و چند یادداشت از دیگران با عنوان «با غزاله تا ناکجا» در سال ۱۳۷۸ به چاپ رسیده است. (شریفی، ۱۳۸۸: ۱۳۴)

۲. خلاصه رمان‌های خانه ادیسی‌ها، شب‌های

تهران و دو منظره

رمان *خانه ادیسی‌ها* سرگذشت چند تن از بازماندگان خاندان ادیسی است. خانم ادیسی در بیست‌سالگی به قباد دل می‌بندد، اما با وجود مخالفت‌های خانواده به اجبار با پسر عموی خود ازدواج می‌کند. لقا دختر میان‌سال خانم ادیسی، سال‌ها، به تنهایی و به دور از مردها به سر برده است. رحیلا دختر دوم خانم ادیسی به ناچار به ازدواج با موید، تن می‌دهد. وهاب نوه پسر

مادربزرگ به ایران برمی‌گردد. نسترن با شنیدن هویت واقعی رامبد از بهزاد، خانه را ترک می‌کند و بهزاد در جست‌وجویش، او را در همان مهمانسرای که با هم آشنا شده بودند، می‌یابد. رمان دو منظره هم زندگی مهدی را از کودکی دنبال می‌کند که در سایه پدرسالاری و با آرزوهایی فرو خفته در رأیا به سر می‌برد. بعد از چند سال برای ادامه تحصیل به شهر مشهد می‌رود تا اینکه عشق روحیه او را دگرگون می‌کند. او با دختر مورد علاقه‌اش طلیعه ازدواج می‌کند، ولی در شب عروسی متوجه عشق طلیعه به بهمن می‌شود. مهدی که از کودکی اسیر پندار کم ارزشی خود بوده، سعی می‌کند در سایه جلوه دادن خود به بهمن شناسه تازه‌ای در نزد طلیعه بیابد. با تولد دخترش مریم و وابستگی طلیعه به دخترش، او بیشتر تنها می‌شود. مریم به علت کارهای سیاسی دستگیر می‌شود و همه دستاویزهای گذشته برای مهدی بی‌جاذبه می‌شود، ولی رؤیای انقلاب چون جذبه‌ای عرفانی او را دگرگون می‌سازد.

۳. معرفی هوشنگ گلشیری

هوشنگ گلشیری یکی از پرکارترین داستان‌نویسان ایرانی است که از دهه ۴۰ تا دهه ۷۰ در حوزه داستان‌نویسی قلمزده است که حاصل تلاش او، بیش از چهل داستان کوتاه و چهار داستان بلند، پنج رمان، یک فیلم‌نامه و مقالات متعددی در نقد شعر و داستان است. (فاطمی، ۱۳۸۰: ۱۰)

از آثار او می‌توان به حدیث ماهیگیر و دیو (۱۳۵۴)، پنج گنج (۱۳۶۸)، دست تاریک، دست روشن (۱۳۷۴)، نیمه‌تاریک ماه (۱۳۸۰)، شازده احتجاب (۱۳۴۸)، بره گمشده راعی (۱۳۵۶)، آینه‌های دردار (۱۳۷۰) و معصوم پنجم (۱۳۵۸) اشاره کرد.

۴. خلاصه رمان‌های بره گمشده راعی، شازده احتجاب، آینه‌های دردار

رمان بره گمشده داعی داستان مردی مجرد و اهل قلم به نام راعی است که در دبیرستان تدریس می‌کند. در آپارتمان کوچکی زندگی می‌کند و هر روز زنی به نام حلیمه برای نظافت و آشپزی به خانه‌اش می‌رود. راعی در کلاس درسش، داستان شیخ بدر والدین مردی زاهد را تعریف می‌کند که عمری را به عبادت و ریاضت گذرانده است. شیخ به سنگسار کردن زنی زناکار فتوا داده است و خود او نیز در انجام عمل مقدم بوده است، اما از آن پس لحظه‌ای تصویر زن، با چانه شکسته او را رها نمی‌کند. راعی در دبیرستان به سوی صلاحی دبیر نقاشی کشیده می‌شود. مردی که همسرش را از دست داده، اما خبرش را چون راز از همه پنهان کرده است. در خانه صلاحی است که با کنار رفتن پرده پستو خانه، راعی سه پایه نقاشی را می‌بیند و تصاویر ذهنش را نقاشی می‌کند. راعی با دوستان متفاوتی مانند وحدت، نمونه روشنفکر سرخورده امروزی که همسرش او را بلاگردان حوادث عصرش می‌داند، سروکار دارد. در سراسر رمان، فضایی جریان دارد که

است که بعد از ازدواجش با ایمانی ارتباط آنها قطع می‌شود. صنم بانو برخلاف میل باطنی با ایمانی ازدواج می‌کند. ایمانی، ساواکی بود و به روش‌های مختلف فعالان سیاسی را مست می‌کرد و آنگاه تخلیه اطلاعاتی می‌نمود. او ابراهیم را که دوست نزدیک صنم بانو بود با دعوت به کافه و به دست آوردن اطلاعات لازم او را به کوی زنان تن فروش می‌برد تا او را از فکر کردن درباره صنم بانو منصرف کند. ابراهیم دیگر آفتابی نمی‌شود. صنم بانو از او دلگیر می‌شود و بعد از این دوری اجباری، ابراهیم حرف دلش را در قالب داستان‌هایش می‌زند.

مؤلفه‌های نوشتاری

ویژگی‌های مختلفی توسط پژوهشگران فمینیست مانند روبین لیکاف، دبره تنن و د، کامرون به عنوان شاخصه‌های زنانگی متن مشخص شده است که در تقابل با سبک و نوشتار مردان قرار می‌گیرد.

بر این اساس، ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایی که وجود چند مورد آن در یک متن زنانه، امکان نامیدن زنانه آن اثر را فراهم می‌کند، براساس ارزش‌ها و مطالب جامعه موردنظر است. برخی از ویژگی‌هایی که به‌عنوان شاخصه‌های متن زنانه و برای تفکیک از نوشتاری مردانه شمرده شده عبارت‌هایی استفاده می‌کنند که از: ۱. زنان از لغات خاص و واژه مربوط به علایق آنها در حوزه‌های مختلف است، مانند زرشکی روشن که اگر مردی به کار ببرد مزاح تلقی می‌شود؛ ۲. زنان بیش از مردان از صورت‌های غیر صریح و مبهم

روابط تحریف‌شده و پنهان آدمی را پررنگ می‌کند. رمان *شازده احتجاب* روایت فروپاشی نظام شاهی و خانی در سنت فرهنگی ایران است. شازده آخرین بازمانده خاندان اشرافی، آخرین شب زندگی خود را می‌گذراند سرشب وقتی به خانه می‌آمده، مراد یا به تعبیری منادی مرگ را دیده است و یقین دارد زمان مرگش فرا رسیده و می‌خواهد خودش را بشناسد. بنابراین، به سفری در رؤیا و تاریخ که محرکش عکس‌های بازمانده از گذشتگان است می‌رود. فخرالنسا با توجه به اینکه خود قربانی ستم این خاندان است، سرانجام شازده را به پوچی زندگی خود و اجدادش آگاه می‌کند. شازده با مرور خاطرات گذشته و پدربزرگ که مادر و برادر خود را به بهانه حفظ سنن اشرافی می‌کشد و تیراندازی او به رعیت و همچنین به گلوله بستن تعداد زیادی از مردم به وسیله پدرش، حال خوشی ندارد، اما قساوت شازده از نوعی دیگر است. او به دلایل خاص روحی، فخری کلفت خانه را مسخ کرده و در هیئت فخرالنسا درمی‌آورد و برای تخلیه عقده‌های روانی با او هم‌بستری می‌کند، اما مرگ، پشتوانه‌های شازده از جمله فخرالنسا را یکی پس از دیگری می‌رباید. مراد این بار خبر مرگ شازده را به او می‌دهد و شازده در اتاقی خالی از اشیای عتیقه می‌میرد. *آیینه‌های درد* هم حکایت مرد نویسنده‌ای است که از طرف چند انجمن اروپایی برای داستان‌خوانی دعوت شده است. بعدها در جریان داستان به دیدن صنم بانو شاهدی که در همه جلسات داستان خوانیش حضور دارد، رفته است. صنم بانو دوست دوران کودکی ابراهیم

مشخصه‌های زبان‌شناختی در سطح واژگانی (رنگ واژه‌ها، واژه‌های مبهم، دشواژه‌ها، واژه‌های عاطفی)، در سطح نحوی (جملات پرسشی، جملات مقطع، ناتمام، جملات معترضه و دعایی، جملات عاطفی، عبارات کنایی) استخراج در جداولی و نمایش داده می‌شوند و سپس یک نتیجه کلی از مقایسه تفاوت‌های نوشتاری در حوزه زبانی در نوشتار نویسندگان موردنظر ارائه خواهد شد.

۱. لایه واژگانی

این سطح از تحلیل بر چگونگی انتخاب واژگان، تأکید دارد و باید به این پرسش پاسخ داد که نویسنده از رهگذر جانمایی، به‌گزینش چه واژه‌هایی پرداخته است و این واژگان در نمایش منظومه فکری نویسنده چه نقشی دارد. گزاره‌های مورد بررسی در این حوزه عبارت‌اند از: رنگ واژه‌ها، واژه‌های مبهم، دشواژه‌ها، واژه‌های عاطفی.

۱-۱. رنگ واژه‌ها

یکی از تمایزهای اصلی که در تفاوت نوشتار زنان و مردان بسیار چشمگیر است، تفاوت در رنگ واژه‌هاست. مردان فقط از رنگ‌های اصلی استفاده می‌کنند، اما زنان از طیف گسترده رنگ‌ها در توصیفات و نوشته‌های خود استفاده می‌کنند و این ویژگی ریشه در جزئی‌نگری و دقت زنان در توصیف رنگ‌ها دارد.

زبان‌شناسان معتقدند که رنگ‌هایی که مردان به کار می‌برند، بیشتر شامل چند رنگ واژه سفید،

زبان و از اشکالی که منتقل‌کننده ابهام است، بیشتر استفاده می‌کنند و نقش‌های زبانی عدم اطمینان در کلام آنها موجود است؛ ۳. زنان نسبت به مردان از فرم‌های مؤدبانه زبان بیشتر استفاده می‌کنند و کاربرد دشواژه‌ها در زبان آنها کمتر است و بیش از مردان محجوب و مؤدب هستند؛ ۴. زنان صورت‌های زبانی بیانگر را بیش از مردان به کار می‌برند، قید و صفت بیانگر عاطفه‌اند، ولی اسم و فعل حاوی دلالت عقلانی‌اند؛ ۵. از نظر لیکاف نوشتار زنان مختص خود آنهاست و واژه‌هایی را در حوزه نوشتار به کار می‌برند که به عواطف و روحيات آنها نزدیک‌تر است و از گفتار غیرمستقیم و پوشیده و کنایی برای درخواست استفاده می‌کنند که در نوشتار مردان کاربرد چندانی ندارد. الگوهای آوایی مورد استفاده زنان شبیه پرسش است؛ ۶. زنان بیش از مردان در پاسخ بیانگر شک و تردیدند؛ ۷. زنان بیش از مردان مایل‌اند تا دیگری کلامشان را قطع کند و چندان علاقه‌ای به تکمیل بحث و به سرانجام رساندن موضوع ندارند. (لیکاف، ۱۹۷۵: ۵۲-۵۴)

تحلیل داده‌ها

در این پژوهش سه رمان *خانه ادیسی‌ها*، *شب‌های تهران* و *دو منظره از غزاله علیزاده* و سه رمان *بره گمشده راعی*، *آینه‌های دردار* و *شازده احتجاب* از هوشنگ گلشیری از لحاظ کشف مؤلفه‌های نوشتار و میزان کاربرد این مؤلفه‌ها در سطح زبانی (واژگان، نحوی و بلاغی) تحلیل می‌شوند. پس از بررسی رمان‌های موردنظر،

جزئیات آن به ندرت استفاده می‌کند. علیزاده در آثار خود از طیف گسترده و متنوع رنگ‌ها استفاده کرده که نشانه ظرافت و سلیقه زنانه در بازبینی و دقت در انتخاب رنگ‌هاست؛ به طوری که در توصیف هر چیزی ابتدا رنگ آن را بیان می‌کند. علیزاده در رمان‌های خود ۶۹۷ مورد رنگ واژه به کار برده که بیشترین بسامد آن مربوط به رنگ‌های آبی، سیاه و سفید است که به ترتیب ۹۲، ۸۷ و ۸۲ مورد در رمان کاربرد داشته‌اند. علیزاده علاوه بر رنگ‌های اصلی از رنگ‌های متنوع دیگری مانند دودی، ارغوانی، لاجوردی، نیلی، خرمایی، شیری، مرواریدی، پیازی، گلبهی و... نیز استفاده کرده است که این رنگ‌ها در آثار گلشیری کاربرد ندارد. جدول شماره دو نشان می‌دهد که علیزاده از ۳۶ نوع رنگ در نوشتار خود بهره برده، در حالی که در آثار گلشیری ۱۸ نوع رنگ مشاهده شد که همه از رنگ‌های اصلی و پرکاربرد هستند که این نشان از دقت و ظرافت زنان در انتخاب رنگ‌ها و بی‌توجهی مردان به جزئیات رنگ‌ها دارد و این تفاوت در کاربرد رنگ واژه‌ها تفاوت نوشتار زنان و مردان را به خوبی نشان می‌دهد. در رمان‌های گلشیری ۲۳۲ مورد رنگ واژه مشاهده شد که بیشترین بسامد آن مربوط به رنگ‌های سفید و سیاه است که هر کدام به ترتیب ۷۳ و ۶۳ بار در رمان‌ها مشاهده شدند. گلشیری همچنین از رنگ‌های اصلی دیگر مانند سرخ و سبز استفاده کرده که به ترتیب ۲۹ و ۲۱ بار در سه رمان کاربرد داشته‌اند. رنگ‌های اصلی سفید، سیاه، سبز و سرخ در مقایسه با رنگ‌های دیگر در آثار هر دو نویسنده بسامد

سبز، آبی و سرخ است، ولی در آثار زنان رنگ‌های زیادی به کار می‌رود. از نظر لیکاف تفاوت بین رنگ‌هایی که شبیه به هم هستند، برای مردان جزئی و بی‌اهمیت است، اما رنگ‌هایی مانند ارغوانی روشن و سرخابی کبود در نوشتار و کلام زنان یافت می‌شود که در کلام مردان کاربرد ندارد. (لیکاف، ۱۹۷۵: ۴۸) به نظر لیکاف دقت و جزئی‌نگری زنان در انتخاب رنگ‌ها بیشتر از مردان است. به همین دلیل از رنگ‌های متنوعی بهره می‌گیرند، ولی مردان به دلیل توجه خاصی که به مسائل سیاسی و اجتماعی نشان می‌دهند، به مسائل جزئی تشخیص رنگ‌ها اهمیت نمی‌دهند. (همان)

«دایره واژه‌های توصیف رنگ در گروه زنان وسیع‌تر است. آنها از اصطلاحاتی استفاده می‌کنند که در میان گروه مردان معمول نیست». (شریفی مقدم و بردبار، ۱۳۸۹: ۱۳۴) «جزئی‌نگری زنان در کاربرد نام رنگ‌ها مشخص می‌شود». (فتوحی، ۱۳۹۰: ۴۰۵)

رنگ‌ها و انتخاب رنگ‌ها، پیوند ناگسستنی با درون فرد و به تبع آن گفتار و افکار فرد از لحاظ علم روان‌شناسی دارند. با توجه به اینکه رنگ‌ها بر عواطف و اذهان مخاطب تأثیر بسزایی دارند، می‌توان گفت که رنگ عنصر مهمی است که شاعران و نویسندگان توانسته‌اند به کمک این عنصر معانی و مقاصد مورد را به شکلی ملموس برای مخاطب تبیین کنند. بررسی‌های صورت گرفته در رمان‌های موردنظر نشان داد که زنان از انواع رنگ‌ها و جزئیات مربوط به آنها استفاده می‌کنند و مردان فقط از رنگ‌های اصلی و از

قهوه‌ای	۱۷	۵
خاکستری	۱۳	۵
ارغوانی	۱۲	-
قرمز	۱۲	-
زعفرانی	۲	-
مرواریدی	۲	-
جوگندی	۹	۲
سرمه‌ای		۳
بنفش	۹	۱
لاجوردی	۸	-
نقره‌ای	۸	۱
نیلی	۸	-
کبود	۷	-
نارنجی	۷	۱
میشی	۷	۲
گلخاری و بیدمشکی	۴	-
خرمایی	۴	-
گلبهی	۳	-
نباتی	۳	-
آجری	۳	-
مسی	۲	۱
مرمری	۲	-
شیری	۲	-
مینایی	۲	-
پیازی	۲	-

رنگ‌های سفید، مشکی از رنگ‌های اصلی در نوشتار دو نویسنده مورد نظر است، ولی طبق نظر زبان‌شناسان که معتقدند مردان بیشتر از چند رنگ اصلی مانند سفید و مشکی و سبز و سرخ استفاده می‌کنند، گلشیری از رنگ‌های اصلی مثل سرخ و سبز و سفید و مشکی بیشتر استفاده کرده و علیزاده علاوه بر رنگ‌های اصلی در توصیفات

بالایی دارد، اما کاربرد رنگ‌های دیگر و جزئیات آنها در رمان‌های گلشیری بسامد پایینی دارد و یا اصلاً به کار نرفته است و طبق نظر لیکاف گلشیری فقط از رنگ‌های اصلی در رمان‌هایش استفاده کرده، ولی علیزاده طیف متنوع رنگ‌ها را به کار برده است و تحلیل رمان‌های دو نویسنده نظریه‌های زبان‌شناسان را در مورد به‌کارگیری رنگ‌های متنوع در نوشتار زنان را تأیید می‌کند. جدول زیر تعداد رنگ واژه‌های به کار رفته در رمان‌های علیزاده و گلشیری را به طور دقیق نشان می‌دهد. طیف متنوع رنگ‌ها در جدول زیر از رنگ‌های اصلی و پرکاربرد به رنگ‌های جزئی و کم کاربرد در آثار هر دو نویسنده و طبق نظر زبان‌شناسان تنظیم شده است.

جدول ۱. رنگ‌های به‌کار رفته در رمان‌های علیزاده و

گلشیری

نوع رنگ	تعداد رنگ واژه‌ها در رمان‌های علیزاده	تعداد رنگ واژه‌ها در رمان‌های گلشیری
سیاه	۸۷	۶۳
سفید	۸۲	۷۳
آبی	۹۲	۱۲
سرخ	۶۲	۲۹
سبز	۵۲	۲۱
زرد	۳۶	۵
طلایی	۲۶	۱۳
صورتی	۲۳	۳
بور	۲۰	۵
گلگون	۱۸	-
دودی	۱۷	-

- خود از رنگ‌های متنوع دیگر به وفور استفاده کرده است.
- رنگ‌هایی مانند آبی سیر، آبی اطلسی کبود، کناری، زنگاری، جلبکی، سبز مهتابی، سبز یشمی، سبز زمرد، سبز ژرف، دودی سیر، نیلی سیر، فندق، سرخابی، زیتونی، کهربایی، سایه کوهی، یشمی، عنابی، نیلی استفاده کرده است؛ درحالی‌که گلشیری در آثارش از این رنگ‌ها استفاده نکرده است و این مسئله ریشه در جزئی‌نگری زنان و دقت آنها در انتخاب رنگ‌ها و بی‌توجهی مردان به این مقوله دارد.
- مثال:
- رنگ چشمه‌ای او مثل رنگ‌های ته آب بود، در عمق کبود و آبی دریایی، سطح مینایی و سبز جلبکی. (خانۀ/دریسی‌ها، ۱۳۷۱: ۱۸۲)
- در صورت کشیده و موهای سیاه و پاک‌پیراهن سرمه‌ای‌اش فهمید که باید پسرش باشد. (بره‌گمشده راعی، ۱۳۵۶: ۱۸)
- ۱-۲. کاربرد واژه‌های مبهم و غیرصریح زبان
- اسم مبهم آن است که در معنی آن نوعی ابهام دیده شود، مانند کس، کسی، هیچ‌کدام، هیچ‌یک، قدری، کمی و ...». (فرشیدرود، ۱۳۸۸: ۲۴۳-۳۲۵)
- طبق نظریه زبان‌شناسان از جمله لیکاف، کاربرد واژه‌های مبهم در کلام زنان نسبت به مردان نمود بیشتری دارد. «زنان بیش از مردان از صورت‌های مبهم و غیرصریح زبان استفاده می‌کنند مانند یک جور، یک عالمه». (لیکاف،
- ۱۹۷۵: ۷۰)
- براساس بررسی‌های صورت‌گرفته در رمان‌های موردنظر، ۱۰۰۶ مورد واژه‌های مبهم در سه رمان علیزاده مشاهده شد که بیشترین بسامد آن مربوط به واژه‌های مبهم (هیچ، هر و چند) است که به ترتیب ۱۷۸، ۱۶۶ و ۱۵۶ بار در رمان‌ها تکرار شده‌اند. در رمان‌های گلشیری ۵۱۹ مورد واژه مبهم مشاهده شد که بیشترین بسامد آن مربوط به واژه‌های (همه، هر و هیچ) است که به ترتیب ۱۳۳، ۱۱۳ و ۷۲ بار در رمان تکرار شده‌اند که در مقایسه با آثار علیزاده تقریباً به نصف می‌رسد. هرچند واژه‌های مبهم مختص نوشتار زنان نیست و طبق نظر زبان‌شناسان هر دو جنس زن و مرد از این مقوله‌ی نوشتاری استفاده می‌کنند ولی درصد به کارگیری این واژه‌ها در نوشته‌های زنان نسبت به مردان بیشتر است و نتایج بررسی‌ها این نظریه را به خوبی اثبات می‌کند. جدول شماره ۴ میزان واژه‌های مبهم به کار رفته در آثار علیزاده و گلشیری را نشان می‌دهد.
- مثال:
- پشت و سینه را راست نگه داشت: تضمین گرفته‌ام هیچ‌کس به این سه اتاق کاری نداشته باشد. (خانۀ/دریسی‌ها، ۱۳۷۱: ۳۷)
- پنج شش ماه پیش دیده بودش. (بره‌گمشده راعی، ۱۳۵۶: ۹)
- میزان کاربرد دشواژه‌ها در دو رمان موردنظر متفاوت است و جدول زیر میزان کاربرد را نشان می‌دهد.

جدول ۲. واژه‌های مبهم به‌کار رفته در رمان‌های غزاله علیزاده و هوشنگ گلشیری

واژه‌های مبهم	تعداد واژه‌های مبهم در سه رمان علیزاده	تعداد واژه‌های مبهم در سه رمان گلشیری
هیچ	۱۷۸	۷۲
هر	۱۶۶	۱۱۳
چند	۱۵۶	۱۷
خیلی	۱۱۶	۲۳
همه	۱۱۲	۱۳۳
چیزی	۷۰	-
کسی	۶۷	۳۴
شمارشی	۵۱	-
کمی	۳۱	۱
اینقدر، آنقدر	۱۶	-
غالباً، اغلب	۱۳	۱۱
یک مشت	۱۱	-
حدود	۷	-
بعضی	۴	۴
تقریباً و یک عالم هر کدام گاهی	۳	۱۳

دشوآه‌ها یا تابوهای زبانی متفاوت عمل می‌کنند و این تفاوت‌ها ناشی از تفاوت‌های فردی و ویژگی‌های خاص جنسیتی است. (لیکاف، ۱۹۷۵: ۵۳) در زمینه به‌کارگیری دشوآه‌ها یا تابوهای زبانی نیز زنان و مردان متفاوت عمل می‌کنند؛ درحالی‌که در نسل سوم، تابوهای زبانی کمتری نسبت به نسل پیشین دیده می‌شود. مردان بیش از زنان از این واژگان استفاده می‌کنند و حتی موضوع این دشوآه‌ها نیز متفاوت است. (فیاض و رهبری، ۱۳۸۵: ۴۹)

بررسی‌های صورت‌گرفته نشان می‌دهد که زنان بیشتر دشوآه‌هایی را که مربوط به حوزه بیماری‌ها، مرگ، حالات روانی، جسمی و خانوادگی است به کار می‌برند و کمتر از دشوآه‌های مربوط به حوزه‌های جنسی استفاده می‌کنند. در همین رابطه مردان عکس عمل می‌کنند و بیشترین میزان استفاده آنها از دشوآه‌های مربوط به حوزه‌های جنسی، خانوادگی و خوراک است و این امر نشان‌دهنده آن است که کاربرد دشوآه‌های زنان و مردان بر اساس انتخاب حوزه‌های واژگانی آنها با یکدیگر متفاوت است. (ارباب، ۱۳۹۰: ۱۲۳)

طبق بررسی‌های صورت‌گرفته در رمان‌های علیزاده ۶۴ مورد دشوآه و تعابیر خاص زنانه مشاهده شد. با توجه به نظر زبان‌شناسان که کاربرد دشوآه‌ها و تعابیر و موضوع آنها در رمان زنان متفاوت از مردان است، دشوآه‌های به کار رفته در آثار علیزاده در مقایسه با آثار گلشیری بسامد بیشتری دارد و علت آن این است که بیشترین تعداد دشوآه‌ها در رمان خانۀ

۳-۱. دشوآه‌ها و تعابیر

لیکاف معتقد است که زنان در مقایسه با مردان محبوب تقلید و مؤدب‌ترند و بیشتر از زبان معیار استفاده می‌کنند و چون پسران و دختران از ابتدا یاد می‌گیرند که دو گونه گفتاری متفاوت داشته باشند، از این‌رو دختران و زنان به گونه مؤدبانه زبان نسبت به پسران گرایش بیشتری دارند. زنان و مردان در زمینه به‌کارگیری

کمی دارد و طبق بررسی ۲۰ درصدی در این
رمان‌ها ۳۱ مورد دشواژه مشاهده شد.

مثال:

- زن لگدی به او زد؟ گل‌رخ، سلیطه گم شو

(خانه ادیسی‌ها، ۱۳۷۱: ۸۶)

- ساطع آن‌قدرها هم بی‌شرف نیست. (بره

گمشده راعی، ۱۳۵۶: ۱۵۸)

۴-۱. کاربرد واژه‌های عاطفی

لیکاف عقیده دارد که زنان بیشتر از مردان از
صورت‌های زبانی که بیانگر عاطفه و احساس
هستند، استفاده می‌کنند و چون زنان به جزئیات
دقت می‌کنند، بنابراین بسامد کاربرد قید و صفت
و واژه‌های عاطفی در کلام زنان بیش از مردان
است. (لیکاف، ۱۹۷۵: ۶۵) هر تحلیل سبکی از
نخستین گام، یک عمل تفسیری است، از این‌رو
نمی‌تواند عینیت‌گرا، خشک و تجربی باشد،
سبک‌شناسی تأثیری (عاطفی) راهکارهای خواننده
محور خود را طرح می‌کنند. (فتوحی، ۱۳۹۰:
۱۳۰) «کاربرد کلیه کلام زنانه، در کنار شخصیت
زنان همنشینی خاص ایجاد می‌کند و برای
پرداختن به موضوعات و مسائل خاص زنان،
انسجام لفظ و محتوای آثار زنان رعایت شده
است». (سراج، ۱۳۹۴: ۱۷۲)

طبق بررسی‌های صورت گرفته، در آثار
علیزاده ۷۳ مورد واژه عاطفی و در رمان‌های
گلشیری فقط ۵ مورد واژه عاطفی مشاهده شد.
میزان به‌کارگیری واژه‌های عاطفی در آثار دو
نویسنده تفاوت نوشتار زنان و مردان در این حوزه
را به خوبی اثبات می‌کند. مثال:

ادیسی‌ها از زبان میهمانان ناخوانده که وابسته به
طبقه پایین جامعه هستند؛ به‌ویژه قهرمان شوکت،
روان می‌شود و چون نویسنده به این شخصیت
خلق‌و‌خوی مردانه بخشیده است و این میهمانان
در محیطی زندگی می‌کنند که زبانشان از فارسی
معیار دور است، دشواژه‌های به کار رفته از زبان
آنها رکیک محسوب نمی‌شود و استفاده از
واژه‌های عامیانه و محلی باعث شده از زبان معیار
فاصله بگیرند. میهمانان رمان به‌خصوص قهرمان
شوکت به رفتار سلطه‌گرایانه تمایل بیشتری دارند
و برای اعمال قدرت به رفتار و گفتار مردانه
تقرب می‌جویند. پس طبق نظر زبان‌شناسان
دشواژه‌های به کار رفته در زبان آنها بیشتر به
حالات و روحيات خاص شخصیت‌های داستان
بر می‌گردد و با توجه به متفاوت بودن موضوع
آنها رکیک به شمار نمی‌آیند. ۴۹ مورد از این
دشواژه‌ها در رمان خانه ادیسی‌ها مشاهده شد که
آن هم از زبان قهرمان شوکت و میهمانان ناخوانده
که نویسنده به آنها خلق‌و‌خوی مردانه بخشیده
و زبانشان از فارسی معیار دور است، بیان شده که
کاملاً با نظر زبان‌شناسان که معتقدند دشواژه‌ها از
زبان کسانی بیان می‌شود که از زبان معیار دور
هستند و موضوع دشواژه‌ها با توجه به
ویژگی‌های شخصیتی متفاوت است، کاملاً تطابق
دارد. در رمان شب‌های تهران هم ۱۵ مورد
دشواژه دیده شد که آن هم از زبان شخصیت‌های
مرد بیان شده است.

اما در رمان‌های گلشیری چون شخصیت‌ها
تحصیل‌کرده و از طبقات اجتماعی مناسب
هستند، به‌کارگیری دشواژه‌ها از زبان آنها کاربرد

- روی تصویر دختر بچه انگشت کشید:
«طفلکم / عجب سرنوشتی». (خانۀ ادیسی‌ها،
۱۳۷۱: ۵۵۷)

- بیچاره صفیه، چرا رفت. (بره گمشده
راعی، ۱۳۵۶: ۵۸)

۱-۵. واژه‌های متعلق به حوزه زنان و مردان

طبق نظر لیکاف زنان از واژه‌هایی خاص استفاده می‌کنند که مربوط به علایق آنها در حوزه‌های مختلف است. زنان به دلیل اینکه به جزئیات اهمیت بیشتری می‌دهند و سعی در توصیف دقیق جزئیات دارند، پس در حوزه‌های مختلف توصیف از واژه‌های خاصی استفاده می‌کنند که مردها به دلیل کلی‌نگری از این واژه‌ها زیاد استفاده نمی‌کنند. (لیکاف، ۱۹۷۵: ۵۵) هرچند در بسیاری از جوامع، زنان و مردان به‌طور مشترک در بیشتر فعالیت‌های اجتماعی شرکت دارند، اما به نظر می‌رسد که در برخی از زمینه‌ها زنان و در برخی دیگر مردان نقش فعال‌تری دارند و این امر سبب پیدایش تفاوت‌های زبانی معینی میان این دو گروه می‌شود. به‌عنوان مثال زنان در زمینه‌هایی مانند خیاطی، بافندگی، آشپزی و آرایش تجربه بیشتری دارند و به همین دلیل بسیاری از اصطلاحات مربوط به این حوزه زنان به نظر می‌رسند، اما در زمینه‌هایی مانند امور نظامی، مکانیکی، فلزکاری و به‌طور کلی کارهای سنگین، مردان فعال‌ترند و از این‌رو اصطلاحات مربوط به این حوزه‌ها بیشتر مردانه هستند. (مدرسی، ۱۳۸۷: ۱۶۰-۱۶۱)

در رمان‌های علیزاده با توجه به اینکه نویسنده در مورد فضای زندگی زنان می‌نویسد، واژه‌های متعلق به حوزه زنان مانند لباس‌های زنانه، رنگ‌های متنوع آنها، لوازم‌آرایش، وسایل زندگی مانند پرده، میز آرایش، گنجه، ملافه، ۵۸۶ مورد واژه متعلق به حوزه زنان و در رمان‌های گلشیری ۸۷ مورد واژه متعلق به حوزه مردانه مشاهده شد که این نتایج نشان‌دهنده جزئی‌نگری و قدرت زنان در انتخاب و گسترش واژه‌های مورد علاقه‌شان است؛ درحالی‌که مردان علاقه چندانی به این مسئله ندارند و این مقایسه نظر زبان‌شناسان در زمینه این تفاوت نوشتاری مردان و زنان را اثبات می‌کند. در ادامه، نمونه‌ای از یک توصیف علیزاده و قدرت نویسنده در به کارگیری واژه‌های متعلق به حوزه زنان آورده شده با نمونه‌ای از توصیف گلشیری:

مثال:

خانم ادیسی سر گنجه رفت، لباس‌ها را زیرورو کرد، شال ابریشم را روی دوش انداخت، در آینه نگاهی به خود کرد. (خانۀ ادیسی‌ها، ۱۳۷۱: ۱۶۸)

- گاهی دختری بود با یک گلدان و با عروسکی هم‌قد عروسک و یا نشسته در دامن‌زنی لچک به سر، زن قلیان می‌کشید. (بره گمشده
راعی، ۱۳۵۶: ۷۷)

۲. لایه نحوی

۲-۱. جملات پرسشی

زبان‌شناسان در پی بررسی‌هایشان به این نتیجه

مشاهده شد که این میزان کاربرد جمله‌های پرسشی در رمان زنانه تقریباً سه برابر رمان مردانه است. در داستان‌های علیزاده، شخصیت‌های مختلف در حین گفت‌وگو با یکدیگر و بنا به موقعیت‌های مختلف به وفور از جملات پرسشی استفاده می‌کنند و این نویسنده است که سعی کرده با ایجاد سؤال و تعلیق‌هایی، کشش داستان را افزون سازد و در برخورد با این جدال و رد سؤال و جواب بین شخصیت‌های داستان، روحیاتشان را بهتر و بیشتر توصیف کند که طبق نظر زبان‌شناسان در داستان‌ها از زبان شخصیت‌ها و در قالب این نشانه‌های زبانی رمزگذاری می‌شود، اما گلشیری در رمان‌های خود از جملات پرسشی کمتری از زبان شخصیت‌های داستان‌ها استفاده کرده است که این باز هم نظر زبان‌شناسان در مورد استفاده بیشتر زنان از جمله‌های پرسشی و تفاوت نوشتاری آنها با مردان در این باب را تأیید می‌کند.

– وهاب با صدایی خش‌دار گفت: «به من بگو چرا؟ چن می‌ارزد؟ آزادی‌کشی؟ زورگویی؟ دیوار یک‌بعدی متحجر؟ دنبال گله رفتن؟» (خانه‌ادریسی‌ها، ۱۳۷۱: ۱۳۱)

– اما راستی چطور؟ حالا یعنی غروب که شد، چکار می‌کنید؟ (بره گمشده راعی، ۱۳۵۶: ۶۹)

۲-۲. جملات مقطع و محذوف

لیکاف عقیده دارد که زنان در مقایسه با مردان برای برقراری ارتباط بیشتر از جملات بدون فعل

رسیده‌اند که به دو دلیل عمده میزان کاربرد جملات پرسشی در میان زنان در مقایسه با مردان، بسامد بیشتری دارد. زبان‌شناسانی چون لیکاف علت این رویکرد را نبود اعتمادبه‌نفس در زنان دانسته‌اند. دلیل دیگر ذکرشده، هدف سخنوران زن از بیان این نوع جمله‌هاست. این دسته از زبان‌شناسان معتقدند که این جنس برای ایجاد همدلی و برقراری ارتباط با دیگران سخن می‌گویند و بدین سبب از جمله‌های پرسشی بیشتر استفاده می‌کنند؛ درحالی‌که معمولاً هدف مردان از سخن گفتن، سبک وجهه‌ای است که از حس برتری‌جویی آنها نشأت می‌گیرد. (فسولد، ۱۹۹۹: ۱۰۲؛ منکجر، ۱۹۹۶: ۳۰۴؛ کریستال، ۱۹۹۸: ۲۱؛ سارلند، ۲۰۰۶: ۵۳؛ به نقل از رضوی و صالحی‌نیا، ۱۳۹۳: ۵۳)

فتوحی معتقد است که «زنان تمایل زیادی به پرسیدن دارند، آنها سه برابر مردان سؤال می‌کنند و اغلب مایل هستند که سؤالات کوتاه بیشتری بپرسند و هدف آنها این است که شریک خود را وارد گفتار کنند». (فتوحی، ۱۳۹۰: ۴۰۰)

بررسی‌های صورت‌گرفته در آثار دو نویسنده نظریه زبان‌شناسان را در این مورد تأیید می‌کنند.

به دلیل علاقه زنان به استفاده از جملات پرسشی و شریک کردن طرف مقابل خود در گفتار، کاربرد جملات پرسشی در داستان زنان نویسنده و از زبان شخصیت‌های مختلف، بیشتر از داستان مردان نویسنده است. در بررسی‌های صورت‌گرفته ۱۰۸۱ مورد جمله پرسشی در سه رمان علیزاده و ۴۰۸ مورد در سه رمان گلشیری

۲-۳. جملات تعجبی، عاطفی، منادا

لیکاف معتقد است که زنان در مقایسه با مردان بیشتر از جملات عاطفی و صورت‌های زمانی قید و صفت که بیانگر عواطف و احساسات هستند، استفاده می‌کنند. کاربرد جمله‌های تعجبی و عاطفی در سخن زنان بیش از مردان است. (لیکاف، ۱۹۷۵: ۴۸)

طبق تحلیل آثار دو نویسنده، ۳۰۷ مورد جمله‌های عاطفی، تعجبی و منادا در سه رمان عزیزاده مشاهده شد که بیشترین بسامد آن مربوط به جملات ندایی که ۱۴۱ مورد و جمله‌های تعجبی و عاطفی که به ترتیب ۱۰۷ و ۵۹ مورد مشاهده شد. در رمان‌های گلشیری در مجموع ۸۹ مورد کاربرد داشت که بیشترین کاربرد آن مربوط به منادا ۶۰ مورد و جمله‌های تعجبی و عاطفی به ترتیب ۲۱ و ۸ مورد است که این بسامد در مقایسه با رمان‌های عزیزاده بسامد پایینی دارد و تفاوت در حوزه نوشتار مردان و زنان را طبق نظر زبان‌شناسان تأیید می‌کند.

مثال:
- آه یاور! اگر بدانی چه بلایی سرم آوردند.
(خانه ادیسی‌ها، ۱۳۷۱: ۵۵)

- ای خوبم قربان شما، شما چطورید؟ (بره گمشده راعی، ۱۳۶۵: ۶۹)

۲-۴. جملات معترضه و دعایی

بر پایه نظریه لیکاف، زنان به دلیل اعتماد به نفس پایین و برخورداری از جایگاه اجتماعی ضعیف جملات تمنایی و معترضه را بیشتر به کار می‌برند

استفاده می‌کنند و خیلی از جمله‌ها را ناتمام رها می‌کنند که بیشتر به دلیل نبود اعتماد به نفس در زنان است. (لیکاف، ۱۹۷۵: ۶۵) پژوهش‌ها نشان داده که زنان در گفت‌وگو، بیش از مردان، تمایل به قطع کلام و تغییر مسیر گفت‌وگو دارند. آنها چندان علاقه‌مند به ادامه و تکمیل بحث و انجام موضوع نیستند. به همین دلیل جمله‌های ناتمام با مکث و سکوت در سخن ایشان بیشتر است و مسکوت گذاشتن موضوع را از ویژگی‌های سخن زنانه می‌شمارند. در نوشتار زنانه مکث و سکوت در خلال سخن به صورت سر نقطه [...] نگارش می‌شود. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۴۰۱)

میزان کاربرد جملات مقطع و بدون فعل در رمان‌های عزیزاده ۷۱۲ مورد و در رمان‌های گلشیری ۳۲۵ مورد مشاهده شد که باز هم نشان‌دهنده تفاوت‌های نوشتاری زنان و مردان در زمینه به‌کارگیری نوع جمله‌هاست.

در رمان *خانه ادیسی‌ها*، جمله‌های متناوب، کوتاه، کم فعل یا بی فعل است که برای نشان دادن حالت هیجان، تغییر، ناشکیبایی و اضطراب شخصیت‌های داستان است. (اسحاقیان، ۱۳۸۶: ۲۸۰)

- امشب خانه نمی‌آیم، اما وقتی خواستم سوار بشوم دیدمش که... (بره گمشده راعی، ۱۳۵۶: ۱۲۱)

- قهرمان کوب کمر راست کرد و چهره تکیده و منقبض شده؛ او آخرش مرا می‌کشد، خوب ... شیم را گرفته. (خانه ادیسی‌ها، ۱۳۷۱: ۱۵۱)

- نمی‌شود، خدا خودش رحم کند. (بره گمشده راعی، ۱۳۵۶: ۶۹)

۳. جمله‌ها و عبارات کنایی

لیکاف می‌گوید: «زنان از گفتار غیرمستقیم برای درخواست استفاده می‌کنند که به عواطف و ناشناخته‌ها نزدیک‌تر است و این گفتمان ویژه زنان و نوشتار خاص آنها است؛ چون بیشتر از اشکال و جملاتی که نشان‌دهنده ابهام و پوشیدگی سخن است استفاده می‌کنند.» (لیکاف، ۱۹۷۵م: ۵۲، ۵۳) نظر سایر زبان‌شناسان هم کاربرد این گونه گفتاری را در نوشتار زنان تأیید می‌کند. فتوحی در این زمینه می‌نویسد: «صناعات بلاغی، در سخن زنان به طرز متفاوتی از مردان به کار گرفته می‌شود، ظاهراً سخن زنان کنایی‌تر از مردان است و زنان بر معانی ضمنی بیش از معانی صریح تأکید دارند. آنها در موقعیت‌های زنانه، از عناصر طعنه‌آمیز و کنایی بیش از مردان بهره می‌جویند. جمله‌های یک گفت‌وگوی زنانه در زبان فارسی، سرشار از معانی ضمنی و کنایی است.» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۴۰۸)

کنایه یکی از مهم‌ترین اسلوب‌های هنری گفتار و یکی از مهم‌ترین شگردهای زیبانویسی است. زنان برای بیان مقاصد خود از جملات کنایی بیشتر استفاده می‌کنند و گرایش بیشتری به پوشیده سخن گفتن دارند. تجربه نشان داده است که نویسندگان و شاعران گاه به دلیل زیبایی سخن و گاه برای عمق بخشیدن به سخن خود و یا به دلایل خفقان و جبر حاکم بر دوره خویش و

و نوع کاربرد جملاتشان با مردان متفاوت است. (لیکاف، ۱۹۷۵م: ۵۲) زنان بخش خاصی که حوزه‌های گفتار مردانه و زنانه را در فارسی جدا می‌کنند، دو قلمرو دشنام و نفرین است. دشنام‌ها و نفرین‌های مردان متفاوت از زنان است. این دو حوزه از آن جهت بسیار تفاوت دارد که محل انعکاس قدرت، روحیات، نگرش‌ها و عواطف خاص هر دو جنس است. زنان از آن رو بیشتر «نفرین» می‌گویند که از قدرت کمتری برخوردارند و وجه کلامشان تمنایی و دعایی است، اما مردان به جهت برخورداری از پایگاه و اقتدار، صفات بد را به دیگری اطلاق می‌کنند و دشنام می‌دهند. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۴۰۵)

طبق شواهد موردنظر ۲۳۷ مورد جملات معترضه و دعایی در رمان‌های علیزاده مشاهده شد که بیشترین بسامد آن مربوط به جملات معترضه و کمترین بسامد آن مربوط به جملات دعایی است و در رمان‌های گلشیری ۳۱ مورد جملات معترضه و دعایی مشاهده شد که بیشترین بسامد آن مربوط به جملات دعایی و کمترین بسامد آن مربوط به جملات معترضه و نفرین است. این مقایسه نشان می‌دهد که زنان بیشتر از مردان از نفرین و دعا استفاده می‌کنند و این مقایسه با نظر زبان‌شناسان درباره تفاوت نوشتار مردان و زنان در زمینه به‌کارگیری جملات معترضه و دعایی از سوی زنان سازگار است.

- برود به گور سیاه، بلانسبت شماها. (خانه

/دریسی‌ها، ۱۳۷۱: ۵۱۶)

بدبخت می‌شکنید، توی دستان آب تکان نمی‌خورد. (خانه‌ی ادیسی‌ها، ۱۳۷۱: ۳۷۴)
 - باز هم صبح دو قورت ونیم و نیمش باقی بود. (بره‌گمشده راعی، ۱۳۵۶: ۱۳۰)

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله طبق بررسی‌های صورت گرفته در آثار غزاله علیزاده و هوشنگ گلشیری در زمینه تفاوت‌های نوشتاری زنان و مردان و رابطه‌ی زبان و جنسیت در نوشته‌های آنان مشخص شد که در آثار نویسندگان موردنظر در سطح زبانی بر اساس نظریه‌ی لیکاف تفاوت وجود دارد. زنان بنا بر ویژگی‌های شخصیتی خاص و جزئی‌نگری خود از طیف گسترده رنگ‌ها، واژه‌های عاطفی، مبهم و واژه‌هایی که با علایق و حوزه‌ی زنانه سروکار دارد بیشتر از مردان استفاده می‌کنند. در زمینه به‌کارگیری دشواژه‌ها هر چند طبق نظر زبان‌شناسان موضوع دشواژه‌های زنان و مردان با توجه به حالات و ویژگی‌های شخصیتی آنها متفاوت است، در رمان خانه‌ی ادیسی‌ها از غزاله علیزاده به دلیل اینکه نویسنده به میهمانان ناخوانده‌ی داستان از جمله قهرمان شوکت خلق‌وخوی مردانه بخشیده کاربرد دشواژه‌ها در این رمان به نسبت دیگر رمان‌هایش بیشتر است، ولی مانند دشواژه‌های مردان از نوع رکیک محسوب نمی‌شوند و بیشتر متناسب حالات و روحیات شخصیت‌های داستان است. در سطح نحوی هم در بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد که زنان بیشتر از مردان به جملات پرسشی گرایش دارند و تمایلشان به حذف و قطع

ظلم و بی‌عدالتی میزان کاربرد جملات کنایی در آثارشان به خصوص در آثار زنان بسامد بالایی دارد.

بررسی‌های صورت گرفته در رمان‌های علیزاده و گلشیری در مورد کاربرد کنایه‌ها و جملات کنایی این تفاوت را به خوبی نشان می‌دهد.

میزان کاربرد جمله‌های کنایی در آثار علیزاده نسبت به آثار گلشیری بسامد بالایی دارد. در رمان‌های علیزاده ۲۷۳ مورد جمله‌های کنایی مشاهده شد که ۱۴۰ مورد آن در رمان خانه‌ی ادیسی‌ها در کلام شخصیت‌ها و راوی بسیار دیده می‌شود؛ درحالی‌که کاربرد این موارد در رمان‌های گلشیری ۴۷ مورد است.

علیزاده با بهره‌گیری از این عنصر، زبان را به زبان عامیانه نزدیک می‌کند و به دلیل خفقان و ظلم و بی‌عدالتی حاکم بر جامعه دوره خود، کاربرد کنایه در آثارش چشمگیر است. «انحراف از زبان نوشتاری به گفتاری در مقیاس وسیع و بهره‌جویی از امثال با کنایات، تکیه کلام، واژگان و ساخت‌های نحوی عامیانه است. در میان کسان رمان، زبان قهرمان شوکت به این اعتبار از همگان غنی‌تر است و در ادبیات داستانی همتایی ندارد.» (اسحاقیان، ۱۳۸۶: ۸۶)

گلشیری در آثار خود در مقایسه با علیزاده به‌ندرت از جمله‌های کنایی استفاده کرده است که این باز هم تفاوت نوشتاری زنان و مردان را در زمینه کاربرد کنایه‌ها اثبات می‌کند.

- برو بساطت را جمع کن! راحت نشسته‌اید اینجا همه کاسه کوزه‌ها را سر شوکت

سراج، سیدعلی (۱۳۹۴). *روند تکوین گفتمان زنانه در آثار نویسندگان زن ایرانی*. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

سلدن، رامان و ویدسون، پیتر (۱۳۷۷). *راهنمای نظریه‌های ادبی معاصر*. ترجمه عباس مخبر. چاپ دوم. ویرایش سوم. تهران: نشر طرح نو.

شریفی، محمد (۱۳۸۶). *فرهنگ ادبیات فارسی*. چاپ سوم. تهران: فرهنگ نشر نو، معین.

شریفی مقدم، آزاده و بردبار، آناهیتا (۱۳۸۹). «تمایز گوناگونی در اشعار پروین اعتصامی». *دوفصلنامه پژوهشی پژوهش زبان‌شناختی*، دانشگاه الزهرا (س)، شماره ۴.

صیامی، توحید (۱۳۸۶). *رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی، بررسی مسئله برابری در ترجمه ادبیات داستانی «انگلیسی به فارسی»*. رساله دکتری. رشته زبان‌شناسی همگانی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

علیزاده غزاله (۱۳۷۱). *خانه ادیسی‌ها*. دو جلد. تهران: تیراژه.

_____ (۱۳۷۸). *شب‌های تهران*. تهران: انتشارات توس.

_____ (۱۳۹۵). *دو منظره و داستان‌های دیگر*. تهران: انتشارات توس.

فتوحی رودمعجنی، محمود (۱۳۹۰). *سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*. تهران: سخن.

فرشیدرود، خسرو (۱۳۸۰). *دستور مفصل امروز*. تهران: سخن.

جملات نسبت به مردان زیاد است. آنها در مقایسه با مردان از جملات عاطفی بیشتر استفاده می‌کنند و بسامد جملات معترضه و دعایی در نوشتار آنها نسبت به مردان بیشتر است. در زمینه کاربرد جمله‌ها و عبارات کنایی هم زنان گرایش بیشتری به استفاده از جمله‌های کنایی دارند و میل آنها به پوشیده سخن گفتن زیاد است.

منابع

اریاب، سپیده (پاییز و زمستان ۱۳۹۱). «بررسی و طبقه‌بندی دشواژه‌های رایج فارسی در تداول عامه». *نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*، شماره ۴، سال دوم، صص ۱۲۴-۱۰۷.

اسحاقیان، جواد (۱۳۸۶). «ادبیت متن در خانه ادیسی‌ها»، سال هفتم، شماره ۳۶، صص ۲۱-۲۹.

تایسن، لوئیس (۱۳۸۷). *نظریه‌های نقد ادبی معاصر*. ترجمه مازیار حسن زاده و فاطمه حسینی. تهران: نگاه امروز.

دلبری، حسن؛ میرزایی، هدی و عرب‌پور محمد آبادی، علی محمد (۱۳۹۶). «بررسی متغیر جنسیت با تکیه بر زبان زنان در رمان کنیز و اثر منیرو روانی‌پور». *فصلنامه پژوهش‌های ادبی*، سال ۱۴، شماره ۵۸، صص ۴۸-۳۱.

رضوی، فاطمه؛ صالحی‌نیا، مریم (۱۳۹۳). «بررسی شالوده‌شکنانه نوشتار زنانه، مقایسه سبک تاج‌السلطنه و عزیزالسلطان». *فصلنامه پژوهشی نقد ادبی*، دوره ۷، شماره ۲۶.

- فیاض، ابراهیم؛ رهبری، زهره (۱۳۸۵). «صدای زنانه در ادبیات معاصر ایران». پژوهش زنان، شماره ۴.
- گلشیری، هوشنگ (۱۳۵۶). بره گمشده راعی. جلد اول. تهران: کتاب زمان.
- _____ (۱۳۷۱). آیین‌های دردار. چاپ هفتم. تهران: نیلوفر.
- _____ (۱۳۶۸). شازده احتجاب. چاپ چهاردهم. تهران: نیلوفر.
- لوید، ژنویو (۱۳۸۷). عقل مذکر، مردانگی و زنانگی در فلسفه غرب. ترجمه محبوبه مهاجر. چاپ دوم. تهران: نی.
- محمدی‌اصل، عباس (۱۳۸۹). جنسیت و زبان‌شناسی اجتماعی. تهران: گل‌آذین.
- مدرسی، یحیی (۱۳۸۷). درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان. چاپ اول. تهران: نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نیکوبخت، ناصر و دیگران (۱۳۹۱). «روند تکوین سبک زنانه در آثار زویا پیرزاد تحلیل بر پایه سبک‌شناسی فمینیستی». فصلنامه نقد ادبی، دوره ۵، شماره ۱۸.
- یول، جورج (۱۳۸۵). بررسی زبان. ترجمه علی بهرامی. چاپ اول. تهران: سمت.
- Lakoff, R. (1975). *Language and Women's Place*. New York: Harper & Row.

